

## توافقنامه ۱۹ اپریل

یا

### توافقنامه پی در خور آرشیف ملی افغانستان

برنارد شاو زمانی از سر شوخی گفته بود: «سمینار جایست که در آن آدمانی گردهم می‌آیند که به تنهایی چیزی برای گفتن ندارند تا به طور دسته جمعی چیزی نگویند». این گفته ظریف شاو در مورد گردهمایی هالند صدق نمیکند چون در آن کسانی گردهم آمده بودند که به تنهایی چیزهایی برای گفتن داشتند. سخنگویان خواستند چیزهایی بگویند. برخی از آنان گفتند و برخی دیگر نتوانستند بگویند چون یا واقعاً توانایی جسمی و فکری گفتن را نداشتند یا ناگزیر به «نگفتن» شدند. به هر تقدیر گفتنهای انفرادی - چي تکراری و بی مزه یا ناب و بکر، چي صحیح و صواب یا سقیم و مخرب - مسأله پی نیست که باید حتماً بر آن مکث کرد. روایتی که در عقب اینگونه گفتارها جاری میشوند، ریشه در مواضع اندیشه پی، آیدیاالوژیک، سیاسی، تباری، فرهنگی و ... دارند. بیان این روایتها جزئی از زنده گی بهنجار یک جامعه است، به ویژه جامعه پی که بخشی از تاریخ زنده خود را - در تجسم پیشتاز ترین و متفکرترین افرادش - از جغرافیای خود رانده باشد. و اما مسأله بر سر "سخن دسته جمعی" است. دوستان گردهم آمده در هالند به تنهایی چیزهایی گفتند ولی به طور دسته جمعی چیزی نگفتند. شاید میخواستند بر گفته شاو صحنه بگذارند. اینک میپردازیم به بخش "گفتار دسته جمعی" آنها که زیر

عنوان «توافقنامه اجلاس وسیع نیروهای ملی ، مترقی و دموکرات افغانستان در اروپا» نشر گردیده است.

از آنجا که این توافقنامه یک «شهکار سیاسی» است! - میخواهم خواننده را نخست به متن آن آشنا سازم:

**« توافقنامه اجلاس وسیع نیروهای ملی ، مترقی و دموکرات**

**افغانستان در اروپا!**

مورخ ۱۹ - اپریل ۲۰۰۸

شهر ایندهوون

اجلاس وسیع نیروهای ملی ، مترقی و دموکرات افغانستان در اروپا در شهر ایندهوون کشور شاهی هالند به تاریخ ۱۹ اپریل ۲۰۰۸ میلادی با اشتراک ( ۵۶۶ ) تن متشکل از بخش های اروپائی احزاب ، آرمان مردم افغانستان ، فعالین صلح افغانستان ، کنگره ملی افغانستان ، نهضت فراگیر دموکراسی و ترقی افغانستان ، حزب متحد ملی افغانستان ، سازمان ها و حلقات سیاسی ، شخصیت های مستقل سیاسی و اجتماعی در فضای دموکراتیک و دوستانه غرض گفتمان سیاسی بمنظور یافتن راه بیرون رفت از حالت بحرانی کشور و جستجوی راه های اثر گذاری این نیروها در مسایل سیاسی ، اقتصادی ، اجتماعی و فرهنگی کشور برگزار گردید .

اجلاس وسیع نیروهای ملی ، مترقی و دموکرات افغانستان در اروپا در شرایطی برگزار میگردد که اوضاع سیاسی ، نظامی و اجتماعی کشور رو به وخامت مزید گذاشته است . فعالیت های تروریستی وسعت و دامنه بیشتر کسب نموده است . فساد اداری ، تولید و قاچاق مواد مخدر ، فقر و گرسنگی ، بیکاری و بی امنیتی بیداد مینماید .

اجلاس وسیع نیروهای ملی ، مترقی و دموکرات افغانستان در اروپا مساعی بخش های اروپائی احزاب ، آرمان مردم افغانستان ، فعالین صلح افغانستان ، کنگره ملی افغانستان ، نهضت فراگیر دموکراسی و ترقی افغانستان و حزب متحد ملی افغانستان ، سازمان های سیاسی ، شخصیت های مستقل سیاسی و اجتماعی را در راستای تحقق اتحاد نیروهای ملی و مترقی ارج گذاشته از آن قاطعانه حمایت نموده و همکاری و همبستگی مزید این ساز مانها را قابل دسترسی و عملی تلقی مینماید.

از آنجائیکه هدف غائی این اجلاس فراهم اوری زمینه های همکاری میان ساز مانها بمنظور ایفای نقش ایشان در اوضاع کنونی کشور میباشد بخاطر تطبیق تصامیم و پیگیری در امر دسترسی به اهداف مطروحه اجلاس مراتب آتی را توافق مینماید :

۱- با تدویر این اجلاس وظایف کمیسیون تدارک و برگزاری اجلاس وسیع نیروهای ملی ، مترقی و دموکرات افغانستان در اروپا ختم و بجای آن کمیسیون سازماندهی و هماهنگی امور اروپائی توظیف میگردد.

۲- اجلاس بعد از بحث و بررسی دیدگاه های ارائه شده به رهبری بخش های اروپائی احزاب اشتراک کننده در این اجلاس صلاحیت میدهد که الی دوهفته اعتبار از تاریخ تدویر این اجلاس وسیع کمیته را در تفاهم مراکز احزاب نامبرده در داخل کشور جهت ادامه کار تفاهم ، سازماندهی و هماهنگی امور در اروپا توظیف نمایند . توافق به عمل آمد تا در این کمیته از هر حزب و سازمان سیاسی ( ۳ ) نفر و از حلقات سیاسی و نهاد های راجستر نا شده ( ۲ ) نفر و بتعداد ( ۱۰ ) نفر از میان شخصیت های مستقل سیاسی ، اجتماعی و فرهنگی شوند.

۳- کمیته سازماندهی و هم آهنگی امور در اروپا وظیفه دارد تا با راه انداختن جریان مباحثات با ثمر در روشنی اندیشه ها و مسایل سیاسی با اهمیت که در این اجلاس مطرح گردید ، پیشنهادات مشخص خود را در جهت ایجاد پلاتفورم مشترک در راستای تشکل اتحاد ها ، ائتلاف ها و در صورت امکان تا سرحد تأسیس سازمان واحد سیاسی ، طرح و به رهبری احزاب خود در داخل کشور ارائه بدارند.

۴- بخش های اروپائی احزاب و جریان های سیاسی که در این اجلاس وسیع اشتراک ورزیده اند ، زمینه های کار عملی را درجهت رسیدن به یک توافق همگانی این نیروها برای کمیته سازماندهی و هم آهنگی امور اروپائی که ایجاد میگردد مساعد سازند و این کمیته وظیفه دارد تا در تحت نظر شورای اروپائی و مراکز احزاب خویش اقدامات عملی را مرعی دارند .

۵- کمیته سازماندهی و هم آهنگی امور اروپائی وظیفه دارد که درامر تفاهم ، صحبت های سازنده و همکاری با سایر سازمانهای سیاسی و شخصیت های موثر مستقل سیاسی طیف های وسیع ملی ، مترقی و دموکرات افغانستان در اروپا که تا الحال با این روند یکجا نگردیده اند به اساس طرح های سازنده و اسناد پایه ئی این اجلاس توجه لازم مبذول بدارند .

« <http://www.mashal.org/home/main/payamha.php?id=01051> »

#### پیروز باد مردم افغانستان

پیش از آنکه به بازگشایی متن این "ناگفته دسته جمعی" دست یازم در برجسته ساختن چند "نابشته نمادین" آن میپردازم:

مفاهیم «چپ» ، «انسان زحمتکش» ، «ظلم» ، «استبداد» ، «ارتجاع» ، «حاکمیت زر و زور» ، «طبقات و اقشار زحمتکش» ، «توده های خلق» ، «دنیای کار» ، «دستگاه حاکمه جهادی - قرون وسطایی» ، «رفع ستم» ، «عدالت اجتماعی واقعی» ، «رفع بهره کشی» ، «دموکراسی واقعی» و ده ها مفهوم گفتمان جنبش چپ انقلابی افغانستان در آن "ناگفته دسته جمعی" وجود ندارد. آیا در قطار ۵۶۶ اشتراک کننده آن گردهمایی یک تهمتن هم وجود نداشت که از گوشه یی با صدای رسای نیم قرنه مبارزان واقعی خلق افغانستان آن فضای پسقراولانه تسلیم به "نظم موجود" را به لرزه درآورد ؟ به یقین که چنین دوستانی فراوان بودند ولی زمینه برای شان فراهم نشد تا میتوانند سندی را درخور یک گردهمایی سازنده جنبش چپ دموکراتیک به تصویب برسانند.

حال نکته به نکته ، مفهوم به مفهوم ، حکم به حکم این سند را مورد بررسی قرار میدهم.

نخست در باره نحوه پرداختِ زبانی - دستوری و چگونه گی سبک نگارش آن باید گفت که هیچگاهی در تاریخ جنبش انقلابی و دموکراتیک افغانستان نوشته یی با چنین سبکباری و بیگانه از فروغناکی زبان مولانا و بیدل و حافظ به "مجموع نیروهای ملی و دموکراتیک افغانستان" ارایه نگردیده است. جا دارد که با سیمین دردمند هم‌نوا شد که میگفت: «آسمان خالیست ، خالی ، روشنانش را کی بُرد؟»

و اما از نگاه محتوا و متن به باز گشایی این اثر ماندگار - برای عبرت - میپردازیم :

۱- در بند یک آمده است:

«... کمیسیون سازماندهی و هماهنگی امور اروپایی توظیف میگردد.»

کمیسیون ( که در بقیه سند به کمیته تبدیل شده است ) توظیف گردیده است تا «امور اروپایی» را سازماندهی کرده ، آنها را هماهنگ سازد . ولی دریغا که معلوم نیست کدام «امور اروپایی» ؟ از قرار معلوم پارلمانی در اروپا از سوی تمام کشورهای اروپایی توظیف گردیده است تا «امور اروپایی» را سازماندهی کرده ، آنها را هماهنگ سازد! به یقین که منظور نماینده گان «توافقنامه» امور اروپایی اروپا نی بل امور اروپایی سازمانهای خودشان بوده است . در اینجا دیگر به تناقض عجیبی میرسیم. یک سازمان چگونه به یک کمیته ساخته شده از نماینده گان سازمانهای دیگر و افراد مستقل غیر سازمانی وظیفه میدهد تا «امور اروپایی اش» را سازماندهی کرده ، هماهنگ سازد. گیریم که این توظیف از سوی یک گروه‌مایی هم باشد! لازمه چنین تصمیمگیری ها این است تا سازمانهای نامبرده از قبل تعدیلاتی را در اساسنامه های شان وارد آورند و در آنها تذکر دهند که منبعت «امور اروپایی شان» توسط یک کمیسیون و کمیته دیگری که خود در آن در اقلیت اند سازماندهی میگردد. تا آنجا که از انتشارات و اسناد رسمی سازمانهای شرکت

کننده در اجلاس برمیآید، هیچ یک تا کنون چنین تعدیلی را در اسناد بنیادی خود درج نکرده اند. این تصمیمگیری عجولانه را میتوان با دو امکان منطقی توضیح داد:

یک: نیرویی سوا و مافوق ارگانهای تصمیم گیرنده این سازمانها وجود دارد که در بیرون از این سازمانها صلاحیت دارد تا «اموراروپایی» شانرا سازماندهی کند و کمیته نامبرده را به حیث یک ویتترین نمایشی ایجاد کرده است. این نیرو یا باید وسایل تحمیلی ارباب انگیز یا ذرایع تطمیعی مؤثری را در اختیار داشته باشد تا به چنین هدفی با این سهولت دست یابد و امور سازمانهای نامبرده را در اختیار خود قرار دهد.

دو: یا این سازمانها هنوز ماهیت سازمان واقعی را حاصل نکرده اند، یعنی به حیث یک «اراده دسته جمعی» تبارز نکرده اند که بتوانند تمام امور سازمان را از طریق ارگانها و شعبات مشخص، زیر رهبری مقامات ذیصلاح، سازماندهی نمایند. توظیف دیگران برای پیشبرد امور خودی نمایانگر ضعف سازمان است!

پس توظیف یک کمیته بیگانه جهت سازماندهی و هماهنگ ساختن بخشی از وظایف سازمان، نمایانگر عدم پخته گی سازمان است. سازمانهایی که به تنهایی توان سازماندهی امور خودی را ندارند چگونه خواهند توانست امور دیگر سازمانها و در مجموع کل جنبش را سازماندهی کنند؟!

۲- در بند ۲ آمده است:

«اجلاس... به رهبری بخش های اروپایی احزاب اشتراک کننده در این اجلاس صلاحیت میدهد که الی دو هفته اعتبار از تاریخ تدویر این اجلاس وسیع کمیته را در تفاهم مراکز احزاب نامبرده در داخل کشور جهت کار...»

اجلاس رهبری بخشهای اروپایی احزاب اشتراک کننده را صلاحیت میدهد. عجب! در آغاز چند سازمان باهم یک کمیسیون تدارک یک گردهمایی را تشکیل میدهند؛ بعد، گردهمایی از اعضای سازمانها و افراد مستقل و غیر سازمانی برپا میگردد و در پایان همین گردهمایی است که به رهبری سازمانهای

برگزار کننده و دعوت کننده، صلاحیت ارزانی میدارد!! مهمانان ، در فرجام مهمانی ، به میزبانان صلاحیت میدهند تا در تفاهم با کلانتر کوچه ، داخل منزل شان شوند! معلوم نشد که دوستانی که در حدود ۴۰ سال از عمر شان را در سازمان و سازمانبازی گذرانده اند چگونه این ابتدایی سازمانی و سیاسی را از نظر انداخته اند که صلاحیت یا از سوی ارگانهای رهبری کننده سازمانها (کنگره ، کمیته مرکزی وغیره...) ارزانی میگردد یا از سوی یک مجلس مؤسسان یا اساسگذار.

درست این میبود که رهبریهای سازمانهای نامبرده به سازمانهای اروپایی شان صلاحیت میدادند نی یک گردهمایی. پس صلاحیت کمیته نامبرده فاقد هر گونه اعتبار سازمانی و سیاسی است!

۳ - در بند ۳ میخوانیم:

«کمیته ... در روشنی اندیشه ها و مسایل سیاسی با اهمیت که در این جا مطرح گردید...»

الف: تاکنون هیچگونه تیزس های تیوریک ، سیاسی ، اجتماعی - اقتصادی از نام اجلاس نامبرده به نشر نرسیده است. پس معلوم نیست که منظور از «اندیشه های مطرح شده در اجلاس» کدام نوع اندیشه هاست؟ همانهایی که وجود کشوری به نام افغانستان را زیر سوال میبرند؛ آنهاییکه تمام مصایب کشور را ناشی از حاکمیت پشتونها میدانند ؛ آنهاییکه حاکمیت نیولیبرالیزم را یگانه راه نجات افغانستان میپندارند یا آنهاییکه بر مواضع منافع زحمتکشان افغانستان تکیه دارند؟

ب - «در روشنی ... مسایل سیاسی با اهمیت». شگفتا! یک مسأله ، در نفس خود «نا روشن» است و باید مورد ارزیابی و تحلیل قرار گیرد تا بازگشایی گردد . چگونه میتوان در «روشنی مسایل» مباحثات با ثمر را راه انداخت. در گزاره نامبرده به جای «مسایل سیاسی» باید «طرحها و استقامتهای سیاسی» آورده

میشد. از آنجا که چنین طرحها و استقامتهای سیاسی به حیث یک خطِ راهنمای سیاسی در اجلاس نامبرده وجود نداشتند، نگارنده گان ، با عجله ، «مسایل سیاسی را» به حیث محراق مباحثات قرار دادند!

در همین بند آمده است: «کمیته ... پیشنهادات مشخص خود را در جهت ایجاد پلاتفورم مشترک در راستای تشکل اتحاد ها ، ائتلاف ها و در صورت امکان تا سرحد تأسیس سازمان واحد سیاسی طرح و به رهبری احزاب خود در داخل کشور ارایه میدارند».

از آنجا که سه گونه پدیدهٔ سیاسی (اتحاد ، ائتلاف ، تأسیس سازمان واحد) مطرح گردیده اند ، باید سه گونه پلاتفورم در نظر گرفته میشود: یکی برای اتحاد ، یکی برای ائتلاف و یکی دیگر هم برای تأسیس سازمان واحد ، نی یک پلاتفورم مشترک برای هر سه امکان! بعد باید پرسید که اتحاد با کی ، ائتلاف با کی و سازمان واحد متشکل از کدام افراد و سازمانها ؟ نگارنده گان توافقنامه در زمینهٔ احتمالات نامبرده کوچکترین اشاره یی نکرده اند . موضوع چون رازِ سر به مَهری - لابد عمداً - پوشیده مانده است.

و در نهایت «این پلاتفورم را به رهبری سازمانهای خود در داخل کشور ارایه بدارند» ! پس معلوم نشد این حلقات و سازمانهایی که رهبری داخل کشور ندارند و این شخصیت های مستقل سیاسی که سازمان ندارند برای کدام خدمت به این کمیته دعوت شده اند؟

۴- در بند ۴ باز هم به همان تناقض گوییهای بالا برمیخوریم :

«کمیته وظیفه دارد تا در تحت نظر شورای اروپایی و مراکز احزاب خویش اقدامات عملی را مرعی دارند». باز هم معلوم نیست وظیفهٔ نهادها ، حلقات و افراد مستقل کدام است ، چون اینان فاقد حزب ، شورای اروپایی و رهبری داخل کشور اند.

۵- در بند ۵ آمده است :



« کمیته وظیفه دارد ... به اساس طرح های سازنده و اسناد پایه ئی این اجلاس  
«...»

تا هنوز هیچگونه طرح سازنده و سند پایه یی به جز از همین «توافقنامه» از  
سوی اجلاس نامبرده به نشر نرسیده است.

چنین است متن توافقنامه یی که ادعا دارد تمام نیروهای ملی ، دموکراتیک و  
مترقی را بر اساس خود متحد سازد! روشنفکران دموکرات و مبارزان جنبش  
چپ دگرگونساز افغانستان که با فرهنگ چپ افغانی خو گرفته، خود داوری  
خواهند کرد که آیا میشود حرکت مترقی کشور را در گرو مجریان سندی  
گذاشت که به جز تناقضهای سیاسی - ساختاری و کنار گذاشتن مواضع چپ ،  
دگرگونساز و مردمی ، درونمایه دیگری ندارد!

گردهمایی ۱۹ اپریل و توافقنامه حاصله از آن بازگوینده این واقعیت تلخ اند که  
بسا از سازمانها و حلقات بازمانده از حزب دموکراتیک خلق افغانستان و  
سازمانهای همسان آن در "شکل کنونی" شان دیگر به بنبست رسیده اند. یا  
گرایشها و عناصر واقعاً چپ در داخل این سازمانها و حلقات ، " شکل امروزی"  
را در بدل یک شکل متعالی تر در وجود " یک سازمان واحد چپ افغانی " نفی  
میکنند و از این بنبست فرا میروند ( آنچه نهضت آینده افغانستان با راه اندازی  
مجمع نیرو های چپ ، مترقی و دموکراتیک به حیث یک روند تشکل سراسری  
چپ افغانی مطرح کرده است ) یا جنبش چپ و دموکراتیک افغانستان برای  
سالیان درازی سوای تاریخ کشور به سر خواهد برد. از این دو راه یکی را باید  
انتخاب کرد!!

24052008

[www.ayenda.org](http://www.ayenda.org)